
فراقنامه
محمدبن علی ابن بابویه

بسم الله الرحمن الرحیم

فراقنامه (چهل حدیث برگزیده پیرامون حضرت مهدی - عجل الله فرجه - از کمال الدین شیخ صدوق)

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

جلیل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فراقنامه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق. عنوان قراردادی : کمال الـدین و تمام النعمه .فارسـی عنوان و نام پدیـدآور : فراقنامه برداشتی آزاد از کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق ره تدوین و ترجمه عبدالصـمد شاعلی مشـخصات نشر : تهران: جلیل ۱۳۷۵. مشخصات ظاهری : ۶۳ ص. فروست : موسسه تحقیقاتی فرهنگی جلیل(نشر جلی) ۲۸. شابک : ۱۷۰۰ریال ۹۶۴-۵۹۷۲-۰۸-۶ یادداشت : کتابنامه ص ۶۳. موضوع : مهدویت-- احادیث موضوع : احادیث شیعه شـناسه افزوده : شاعلی عبدالصـمد، مترجم رده بنـدی کنگره : BP۱۴۱/۵ /م۹ الف ۴۱۲۴۰۴۲ ۵۷۳۱ رده بنـدی دیویی : ۲۱۲/۷۹۲ شـماره کتابشناسـی ملی : م ۶۷-۹۷۷۶

سرآغاز سخن

بسم الله الرحمن الرحیمصـلی الله علیک یا صاحب الزمان عجل الله تعالی لک الفرجدر کنار کدامین سـرو باید سرو قامتت را به تماشا نشـست و در کنار کـدامین گل بایـد رایحه جانبخش نفسـهای تو را بوییـد و کـدامین قمری را بایـد گفت که نغمه روح بخش خود را در فضـای غم آلود غیبت سـر دهـد و انتظـار خود را بـا آهنـگ و نوای خویش در فضای باغ، بر بال نسـیم نشان دهد؟ در چشم کودکان مظلوم و در سـیمای نوباوگان یتیم، رنج انتظار و سـیاهی هجران و فراق تو به چشم می خورد. کشـیده قامت نوجوانان به خمیـدگی گرایید و سـیاه موهایشان را رنگ سپید، در برگرفت. اما چه می گویم؟ آنچه را در این باره گفته اند و می گوییم، بازگویی رنج دوری و اشتیاق، در روزگار غیبت تو است که پشت فلک را خم نموده است. اما تو ای سـرور! چگونه برفراز قله های قرون، رنجهای جانفرسا

را برخود هموار ساختی و ستمگریها را نظاره گر شدی؟ که صبرت به ایوب، صبر و شکیبایی آموخت، که خداوند فرمود: علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب. [۱] . [صفحه ۸] وی دارنده کمال موسی و حسن صورت و سیرت عیسی و شکیب ایوب است. آری، آری آقای من! دیر پایی دوران غیبتت و نهان زیستی ات، امیر مومنان علیه السلام را به شکوه ای جانسوز واداشته که فرمود: یابن حره الاماء! متی تنتظر؟ [۲] ای فرزند آزاده کنیزان! تا به کی انتظار می بری؟ و امام صادق علیه السلام، اشک ریزان آن سان که بر خاکها نشسته، با آه و ناله ای دلخراش، حضرتت را چنین مخاطب می سازد: سیدی! غیبتک نفت رقادی، و ضیقت علی مهادی، و ابتزت منی راحه فوادی، سیدی! غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الابد. [۳] ای آقای من! غیبت تو آسایش را از من دور نموده و خواب و استراحت را بر من دشوار ساخته و آرامش دل و اندیشه را از من ربوده است. ای آقای من! غیبت تو مرا به درد و رنجهای ابدی گرفتار کرده است. آری، ای حجت حق! خدای یکتا نخستین مژده بخش قیام تو است، آن گونه که امام باقر علیه السلام در بیان آیه: (اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها) [۴] فرمود: یحییها الله – عز و جل – بالقائم بعد موتها، یعنی بموتها: کفر اهلها و الکافر میت. [۵] خداوند متعال زمین را به وسیله [حضرت] قائم [علیه السلام] زنده می سازد و منظور خداوند از بعد موتها کافر شدن [اکثریت] اهل زمین است، زیرا که کافر

مرده است. [صفحه ۹] آری، خداوند بر مبنای لطف و رحمت خویش مومنان را مخاطب ساخت تا طول دوران غیبت، دلهایشان را سخت نکند و یاد تو را از خاطر نبرند. و پدر گرامیت حضرت عسکری علیه السلام تنها راه نجات و رستگاری را در دوران غیبت چنین ترسیم می نماید: و الله لیغیبن غیبه لا ینجو من الهلکه فیها الا من ثبته الله تعالی علی القول بامامته و وفقه للدعاء بتعجیل فرجه. [۶] به خدا سوگند، او آن چنان غیبت و نهان زیستی خواهد داشت که هیچ فردی در آن دوران از هلاکت و نابودی نجات نخواهد یافت، جز کسانی که خدای بلند مرتبه به اعتراف بر امامت وی ثابت قدم بدارد و آنان را به دعا کردن برای تعجیل در ظهورش توفیق عطا فرماید. و نیز حضرت جواد الائمه علیه السلام داشتن حال انتظار را در دوران غیبت واجب می شمارد تا آنجا که بیان داشته است: ان القائم منا هو المهدی الذی یجب ان ینتظر فی غیبته و یطاع فی ظهوره. [۷] همانا قائم از همان مهدی است که واجب است در دوران غیبتش در انتظار آن حضرت بسر برند و به هنگام ظهورش فرمان وی را گردن نهند. و این حالت (انتظار کشیدن دولت حقه) برترین اعمال و عبادات بشمار رفته است [۸] چنانچه حضرت رضا علیه السلام نیز این شیوه و طریقه را استمرار بخشید و شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام را به دعا بر ظهور حضرتت امر می فرمود. [۹] آری، ای مقتدای ما! خود نیز شیعیان را فرمان دادی تا ظهورت را در دوران غیبتت

از خداونـد بزرگ بخواهنـد [۱۰] و همانند سیره اجـداد طـاهرینت علیهم السـلام کیفیت این راز و نیـاز را [صـفحه ۱۰] تعلیم فرمودی. [۱۱] و از همـان آغـاز دوران غیبت، برای قیـام خـود از خداونـد بزرگ، انجـاز و تحقـق وعـده ظهور را طلب کردی. آری، گویا صدای دل انگیزت از آن زمان تا کنون، در کنار معبد توحید، طنین افکنده و گذشت قرون، صوت حیات بخش تو را از یـاد نبرده و می شـنویم که می فرمـایی: اللهم انجز لی مـا وعـدتنی. [۱۲] خـدایا! وعـده ای را که به من داده بـودی. تحقق بخش. امـا این همه سفارشـهای معصومین علیهم السـلام بـدان جهت است که در دعا برای وجود مقـدس و قیام نجات بخشـت فوایـد و اثراتی فراوان و عظیـم نهفتـه [۱۳] کـه از آن جمله است: - شـیعیان بـا این حرکت نشـان دهنـد که مقـام قدسـی ات را دوست دارنـد. - از طرفی دیگر، این امر خود رابطه و پیوندی معنوی با وجود شـریف تو است. اما خورشـید درخشان را تراکم ابرهـای دوران غیبت چه زیـانی توانـد داشت که دلهای پیونـد یافته را در طوفانهای روزگار، نوحی چون تو کشتیبان است؟ ای حجت زمـان! مگر مفهـوم غیبت و نهـان زیسـتی تو را جز دو معنـاست؟ ۱ - قـامت رسـا و دلربـایت در میـان زمینیان حرکت و پویایی دارد، شـرق و غرب عالم را می پیمایی، مردمان را می نگری اما ایشان حضـرتت را نمی بینند. [۱۴] ۲- گاه نیز مردمان، سر و دلربایت را می نگرند اما تو را نمی شناسند. [۱۵] خدای متعال و اجداد پاک تو نیز در تصریح به غیبت و

نهان زیستی وجود قدسی ات فراوان سخن گفته اند و شیخ صدوق قدس سره نیز به فرمان مبارکت کتاب کمال الدین و تمام النعمه را در اثبات امر غیبت به نگارش در آورد. [صفحه ۱۱] در ختام مسک یاد روح افزایت، همان فرموده های احیاگرت را با دلی آکنده از شوق دیدار و غم انتظار بر می خوانیم که: اللهم اعز نصره، و مد فی عمره، و زین الارض بطول بقائه. [۱۶] اللهم و احی بولیک القرآن و ارنا نوره سرمدا لا لیل فیه. [۱۷] آمین، یا رب العالمین. بار خدایا! [در فش] پیروزی او را برافراز و زندگانی او را امتداد بخش و زمین را با استمرار وجود حضرتش زینت ده. خداوندا! بوسیله ولیت، قرآن را زنده نما و نور آن [کتاب آسمانی] را برای ابد به ما بنمایان، آن گونه که شام پایانی در پی آن نباشد. [صفحه ۱۳]

نگاهی به زندگانی شیخ صدوق

فقیه خیر مبارک، این توصیفی است که بنا به نقل صاحب کتاب الفوائد الرجالیه از ناحیه مقدسه حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - درباره یکی از برجسته ترین دانشمندان تاریخ شیعه صادر شده است و او کسی نیست جز: ابوجعفر، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق - علیه الرحمه. بی گمان، بزرگمردی که امام علیه السلام او را چنین معرفی نماید، از توصیف و تعریف کلک زبان بریده دیگران، هر چند که همه توش و توان خود را بکار گیرند و کتابها درباره او تصنیف کنند و قصیده ها بسرایند، بی نیاز است. لذا، با اعتذار از محضر آن بزرگوار، چنین آغاز می نماییم

که: شیخ – علیه الرحمه – بین سال سیصد و پنج تا سیصد و ده هجری قمری در شهر قم چشم به جهان گشود. ابوجعفر محمد بن علی الاسود – علیه الرحمه – می گوید: ابن بابویه – رضی الله عنه – (پدر شیخ) پس از وفات محمد بن عثمان العمری رضی الله عنه از من خواست که با وساطت ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه، سومین نایب خاص حضرت بقیه الله – ارواحنا فداه –. از ایشان تقاضا کنم تا برای ابن بابویه دعا فرمایند که خدای عز و جل فرزند پسری روزی او فرماید. من این درخواست را با نایب امام علیه السلام در میان گذاشتم و ایشان پس از سه روز به من خبر دادند که حضرت بقیه الله – ارواحنا فداه – برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده اند و بزودی فرزندی مبارک برایش به دنیا خواهد آمد که نخست بدو سودمند می شود و سپس از فرزندان دیگری نیز برخوردار خواهد شد. ابن اسود چنین می افزاید: [صفحه ۱۴] من برای خودم نیز چنین درخواستی نمودم، ولی به من فرمودند که راهی به سوی این [آرزو] نداری. همان سال، محمد (شیخ صدوق) پسر علی بن حسین بن بابویه به دنیا آمد و پس از او نیز فرزندان دیگری زاده شدند، ولی برای من فرزندی به دنیا نیامد. خود شیخ – علیه الرحمه – می گوید: ابوجعفر محمد بن علی الاسود رضی الله عنه هنگامی که رغبت مرا برای فراگرفتن دانش در محضر شیخمان، محمد بن الحسن بن احمد بن ولید رضی الله عنه می دید، بارها

به من می گفت: این چنین رغبتی به دانش از چون تویی شگفت انگیز نیست، چرا که به دعای امام علیه السلام زاده شده ای. پدر شیخ – علیه الرحمه – نیز از بزرگان شیعه بود، چنانکه شیخ ابوالحسن علی بن محمد السمری (آخرین نایب خاص حضرت بقیه الله – ارواحنا فداه) خبر غیبی وفات وی را با جمله: خدای، علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی را رحمت کناد به همگان اعلام کرد. شایان ذکر است که نواب خاص هیچ سخن از خود نمی گفتند و این طلب رحمت، در واقع طلب رحمت امام علیه السلام بود. به هر تقدیر، شیخ – علیه الرحمه – در دار العلم قم متولد شد و پس از آن که در محضر اساتید آنجا به کسب فیض پرداخت، به خواهش اهالی ری، راه آن شهر را در پیش گرفت. پس از مدتی که به اقامت در ری گذشت، شیخ – علیه الرحمه – به مشهد الرضا – علیه آلاف التحیه و الثناء – سفر کرد. این سفر، سر آغاز هجرتهای متعددی بود که برای ترویج مذهب شیعه و حمایت از حریم علمی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به همت والای شیخ – علیه الرحمه – و به جهت ادای تکلیف و مسوولیتی مقدس انجام پذیرفت. او در سفرهای خود از قم به ری، نیشابور، استرآباد، مرو رود، سمرقند، فرغانه، بلخ، همدان، بغداد و کوفه همه جا به نشر احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مباحثه با مخالفان پرداخت. او تنها پنج مجلس مناظره و مباحثه را در حضور رکن الدوله دیلمی چنان

گذرانید که تصدیق و تایید و تحسین شاه و درباریان و مخالفانی را که در آن مجلس حضور داشتند، برانگیخت. با چنین موقعیتی، شیخ – علیه الرحمه – می توانست با آسودگی تمام تا پایان زندگی [صفحه ۱۵] خویش در همان دار الملك ری روزگار بگذراند، ولی او چنین نکرد. شیخ – علیه الرحمه – در آن زمان که مسافرت، کاری مخاطره آمیز و دشوار بود راه شهرهای دور و نزدیک را در پیش گرفت تا به ارشاد دوستداران حق و حقیقت پردازد. در نیشابور بود که به شیخ مشایخ خراسان ملقب گشت. او در سفرهای دیگرش، از بیش از دویست و پنجاه تن که نام و نشان همگی ایشان در کتابهای معتبر ثبت شده است، حدیث شنید و روایت فرمود. دامنه پرتو افشانی علمی شیخ – علیه الرحمه – نه به دیار خود محدود بوده است و نه به زمان خویش. آوازه فضل و دانش وی به گوش آفاق رسیده بود و دانش پژوهان مسلمان، برای حل معضلات علمی خود، از اطراف و اکناف ممالك اسلامی از اندیشه روشن و هوش سرشار وی یاری می جستند. گواه بر این مدعا، عناوین زیر است که از فهرست کتب او برگزیده ایم: – پاسخ مسائلی که از واسط رسیده، – پاسخ مسائلی که از کوفه رسیده، – پاسخ مسائلی که از مصر رسیده، – و پاسخ مسائلی که از قزوین رسیده است.شماره تالیفات صدوق – علیه الرحمه – نیز بنا به نقل شیخ طوسی – علیه الرحمه – به سیصد جلد می رسد که خود شیخ طوسی چهل کتاب و دانشمند بزرگ رجالی، نجاشی، دویست

کتاب را از آن میان نام برده است. متاسفانه از این گنجینه علمی، تنها گوهرهای نادری به ارث به ما رسیده و از کتب دیگر شیخ - علیه الرحمه - مانند بسیاری از آثار خطی دیگر دانشمندان سده های نخستین اسلام و ایران اسلامی، اثری در دست نیست. می توان پنداشت که کوتاهی دوستان یا غرض ورزی و سلطه دشمنان اهل بیت علیهم السلام این حرمان را برای نسلهای بعدی در پی داشته است. از میان آن تابهای شیخ - علیه الرحمه - که به دست ما رسیده است، می توان به عناوین درخشانی مانند: من لا یحضره الفقیه، علل الشرایع، التوحید، الخصال، [صفحه ۱۶] معانی الاخبار، کمال الدین و تمام النعمه،... اشاره نمود. سرانجام، چراغ پر فروغ زندگانی دنیوی شیخ صدوق - علیه الرحمه - به سال سیصد و هشتاد و یک هجری قمری، در سن هفتاد و چند سالگی، خاموش شد. وی را در نزدیکی مزار حضرت عبدالعظیم حسنی - رضوان الله علیه - به خاک سپردند. هشتصد و پنجاه و اندی سال پس از آن، در زمان سلطنت فتح علی شاه قاجار هنگامی که پس از وقوع سیلی به تجدید بنای آرامگاه پرداختند، پیکر پاک وی را در حالی که هنوز به انگشتانش رنگ خضاب داشت، صحیح و سالم یافتند: و العلماء باقون ما بقی الدهر. [۱۸] . [صفحه ۱۷]

در پیرامون کتاب کمال الدین و تمام النعمه

براستی درباره کتابی که به اشاره همایونی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - نگاشته شده است، چه می توان گفت؟ معرفی آن با بیان رسای کدامین دانشمند فرهیخته باید صورت گیرد تا ارزش واقعی آن برای اذهان ما

آشکار گردد؟ شاید نیکوترین پاسخ این باشد که چه کسی بهتر از خود شیخ صدوق - علیه الرحمه؟! اینک این شما و این بیان وی: آنچه مرا به نگارش این کتاب واداشت، این بود که چون از زیارت مشهد الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - فارغ گشتم، به نیشابور برگشتم و همانجا رحل اقامت افکندم. در آنجا بود که دریافتم مساله غیبت بیشتر شیعیانی را که به نزد من رفت و آمد می کنند، به حیرت افکنده و به شبهاتی درباره امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دچار نموده است. علت این سرگردانی هم تنها در یک کلام خلاصه می شد: ایشان از راه تسلیم در برابر نصوص، به بیراهه خود رایی و قیاس افتاده بودند. من نیز تا آنجا که می توانستم با نقل و گسترش اخبار پیامبر اکرم و ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - به ارشاد ایشان پرداختم و آنان را به سوی راه صواب رهنمون گشتم. یکی از همان روزها فاضلی از فضلای قمی که من مدتها بود، به جهت اندیشه استوار و رویه مستحکمی که داشت، آرزوی ملاقاتش را داشتم و مشتاق دیدارش بودم از ناحیه بخارا به نزد ما آمد و او کسی نبود جز: شیخ نجم الدین ابوسعید محمد بن الحسن بن محمد بن احمد بن علی بن الصلت - ادام الله توفیقه. پدرم از جد این شیخ، محمد بن احمد - قدس الله روحه - روایتها نقل می کرد و از فضل و مدارج علمی و عبادی او سخنها می گفت. گذشته از این، او به خاندانی وابسته بود که

دانشـمندان بزرگی چون احمـد بن محمـد بن عیسـی و محمـد بن حسن صـفار از ایشان روایت نقل کرده بودند. [صـفحه ۱۸] چـون چنیـن موقعیـتی فراهـم آمـد، خـدای تعـالی را از جهـت اینکـه هم دیـدار آن عزیز را برایم میسـر و هم برادری و صـفا و صمیمیت او را نصیبم فرموده بود، سپاس گفتم. روزی آن عزیز، در صحبتش سخن یکی از بزرگان اهل فلسفه و منطق بخارا را به میان آورد. وی بیان کرد که آن فیلسوف، گفتاری درباره قائم علیه السـلام و طولانی شـدن غیبت آن حضـرت بدو گفته که او را به شک و دو دلی افکنده است. من که از او چنین شـنیدم به اثبات نهان زیستی آن حضـرت پرداختم و سخنانم را با اخبار پیـامبر اکرم و ائمه معصـومین - صـلوات الله علیهم اجمعین - آراسـتم، چنـانکه شـکی که به دلش رخنه کرده بود، از وجودش رخت بربست و در برابر آن اخبار سـر تسـلیم فرود آورد و آنها را به جان پذیرفت. سـپس از من خواست که کتابی در این باره تصـنیف نمایم. من نیز بـدو وعـده دادم که چون به خواست خـدای تعالی به وطنم باز گردم، بـدان مهم همت گمارم. شبی در حـالی که به خـانواده و فرزنـدانم که آنهـا را در ری ترک کرده بودم می اندیشـیدم، ناگهـان خوابم در ربود و چنین دیـدم که گـویی در مکه و در هفتمین دور طـواف بیت الله الحرام و در حـال اسـتلام حجر الاـسود هسـتم. آن را می بـوسم و می گـویم: امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاه که ناگهان چشمانم به جمال بی مثال مولایمان.

امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - روشن شد. ایشان کنار در کعبه ایستاده بودند. با دل مشغولی و آشفتگی ذهنی فراوانی که داشتم، به ایشان نزدیک شدم. آن حضرت به فراست از رنگ رخساره به سر ضمیرم پی بردند و پس از سلامی که میان ایشان و این بنده رد و بدل شد به من فرمودند: چرا کتابی در غیبت نمی نگاری تا پایانی برای این پریشانیت باشد؟ عرض کردم: یا ابن رسول الله! چیزهایی در آن باره نگاشته ام. حضرت فرمودند: نه بدان شیوه، بلکه تو را امر می نمایم که هم اکنون کتابی درباره غیبت بنگاری و در آن از غیبتهای پیامبران علیهم السلام یاد کنی. پس آن گاه حضرت تشریف بردند و من از خواب جستم. آن شب تا سحر، به دعا و گریه و راز و نیاز و مویه گذشت. چون صبح فرا رسید، به تالیف این کتاب پرداختم تا امتثال امر ولی زمان و حجت الهی را نموده باشم. این مهم را با یاری خداوند و توکل بدو آغاز نموده ام و برای کوتاه دستیم استغفار می کنم، و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب. باید انصاف داد که شیخ - علیه الرحمه - به خوبی از عهده تکلیف خویش بر آمده و کمال الدین اگر نگوییم بهترین، باید بگوییم که یکی از بهترین کتب مهدویت، از زمان تالیف آن تا زمان ماست. [صفحه ۱۹] کتاب با مقدمه محققانه مولف - علیه الرحمه - که نزدیک به یک پنجم حجم آن را در برگرفته است، آغاز می شود. نخستین مطلب این مقدمه، بحث

تقـدم جانشـینی الهی در زمیـن بر آفرینش انسـان است که بـا مبـاحثیماننـد: وجـوب اطـاعت از خلیفه الهی و عـدم شایسـتگی بندگان برای انتخاب او، وجوب عصـمت امام،... دنبال می شود. پس از اتمام این مباحث کلی که همگی با دلایل روشن عقلی و نقلی مطرح شده است، خواننده با موضوعاتی که درباره شخصیت حضرت بقیه الله – ارواحنا فداه – نگاشته شده است، روبرو می شود. این موضوعات از وجوب شـناخت آن حرت، آغاز و با نقل مباحثه های علمی و استشـهادهای تاریخی بسـیاری همراه شده که عمدتا درباره نقادی آرای نادرست منکران غیبت امام علیه السلام است. نوک پیکان نقد مولف – علیه الرحمه – رو به اندیشه های سـست و نادرست زیدیه نشانه گرفته شده چه او سـخت ترین مخالفت را درباره شخصیت امام علیه السلام از سوی ایشان یافته است. پس از اتمام مقدمه، مولف در هشـتاد و پنج باب به بررسـی پنج سـر فصل اصـلی از دیدگان اخبار تاریخی و روایـات صـحیح مـذهبی پرداختـه است که عبارتنـد از: ۱ – بر شـماری نمـونه هـای نهـان زیسـتی پیـامبران علیهم السـلام، ۲ – داسـتانهای آنان که عمری طولانی یافته انـد، ۳ – احـادیث اهـل بیت علیهم السـلام درباره حضـرت بقیه الله – ارواحنا فـداه – و غیبت ایشان، ۴ – حکایات آنان که حضـرت را به چشم خویش زیارت کرده اند، ۵ – توقیعات آن حضرت. اکنون گلچینی از روایات کتاب همراه با ترجمه به نثر، و برداشتی آزاش و شـعر گونه از آنها تقـدیم می گردد که امیـد است حضـرت بقیه الله – ارواحنا فداه – و دوستداران ایشان به کاستیهای

آن با چشم پوشی بنگرند و دیده رضا و قبول بر آن بیفکنند. [۱۹] گفتنی است که در این اثر، اسما و صفات الهی، دور از باریک بینی های اعتقادی، به [صفحه ۲۰] روش معمول مترجمان پارسی زبان ترجمه شده است. انجام سخن، سپاس این کمترین از برادرانی است که برای به سامان آمدن این اثر، وامدار یاری ایشان هستم، (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین) [صفحه ۲۱]

حدیث ۰۱

عن امیر المومنین علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لما اسری بی الی السماء اوحی الی ربی - جل جلاله - فقال:... هذا القائم الذی یحلل حلالی و یحرم حرامی، و به انتقم من اعدائی، و هو راحه لاولیائی، و هو الذی یشفی قلوب شیعتک من الظالمین و الجاحدین و الکافرین.... [۲۰] امیر مومنان علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چون مرا شبانه به سیر آسمانی بردند، پروردگارم - جل جلاله - مرا وحی فرمود:... این قائم (حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه -) است که [از نو] حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می سازد و به سبب او، از دشمنانم کیفر می ستانم و او [مایه] آسایش دوستان من است و هم اوست که دلهای پیروانت را از [زخمهای] ستمگران و ناباوران و کافران بهبود می بخشد.ای راحت جان اولیا تو وی داروی زخم پیر هجرانباز آی تو از گروه اعدا از بهر حق انتقام بستان [صفحه ۲۲]

حدیث ۰۲

عن علی بن ابی طالب علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:... انه لما عرج بی الی السماء،... انتهیت الی حیث ما شاء الله - عز و جل - من ملکوته فنودیت: یا محمد!... لاطهرن الارض باخرهم من اعدائی و لاملکنه مشارق الارض و مغاربها.... [۲۱] علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:... همانا چون مرا بر فراز آسمان بردند،... به آن جایگاه ملکوتی که خدای - عز و جل - خواسته بود رسیدم، پس مرا آواز دادند:

ای محمد!... هر آینه زمین را با آخرین ایشان (امامان معصوم علیهم السلام) از دشمنانم بپیرایم و خاوران و باختران آن را ملک او نمایم.داده است خدای وعده ما را آید به زمین، زمان پاکیامید که ما چون بیاید آن فردوس شود زمین خاکی [صفحه ۲۳]

حدیث ۰۳

عن الحسین بن علی علیهما السلام، قال: فقال رسول الله صلی الله علیه و آله:... فهو امام تقی نقی بار مرضی هاد مهدی، اول العدل و آخره، یصدقه الله - عز و جل - و یصدق الله فی قوله.... [۲۲] حسین بن علی علیهما السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:... او (حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه -) پیشوای خود نگهدار پاک سرشت نیکوکار پسندیده راهنمای راه یافته ای است، آغاز و انجام عدل و داد است، خدای - عز و جل - [گفتار] او را تصدیق فرماید، و او نیز گفتار خدا را راست بداند.ای اول عدل و داد و احسان وی آخر آن به حکم دادارحق آیت صدق می فرستد روزی که تو لب گشایی ای یار [صفحه ۲۴]

حدیث ۰۴

عن جابر بن عبد الله الانصاری، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی، اشبه الناس بی خلقا و خلقا. تکون به غیبه و حیره تضل فیها الامم ثم یقبل کالشهاب الثاقب، یملاها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما. [۲۳] جابر بن عبدالله انصاری گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه اش کنیه من است، همانندترین مردمان به من، چه در آفرینش [و صورت] چه در خوی [و سیرت] است. او را غیبت و حیرتی خواهد بود که مردمان در آن به گمراهی دچار می شوند سپس مانند شهاب درخشان روی می نماید، آن (دنیا) را از درستی

و داد بیاکند، چنانچه [پیش از او] از ستم و بیداد آکنده اش باشند.آسمان عدل و داد از تیرگی گشته اکنون چون دل دیو ستمای شهاب ثاقب از بهر خدا برفروز و روز کن این شام غم [صفحه ۲۵]

حدیث ۰۵

عن ابی جعفر علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو یاتم به فی غیبته قبل قیامه و یتولی اولیاءه و یعادی اعداءه، ذلک من رفقائی و ذوی مودتی و اکرم امتی علی یوم القیامه. [۲۴] امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال آن که [محضر] قائم خاندانم را دریابد در حالی که به هنگام غیبت، پیش از بپاخاستن او حضرتش را امام خود بداند، و با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کرده باشد که او از همدمان و دوستان و گرامی ترین [کسان] امتم در نزد من به روز رستاخیز خواهد بود.خلق اول، آخرین انبیا این سخن فرموده در قائم درستای خوشا و خرما حال کسی کو نمی گردد به پنهانیش سستمهر یارانش به جان او پروراند شاخ کین دشمنش در دل برستاو رفیق من بود در رستخیز در صف اکرام من باشد نخست [صفحه ۲۶]

حدیث ۰۶

عن ابن عباس، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان علی بن ابی طالب علیه السلام امام امتی و خلیفتی علیها من بعدی. و من ولده القائم المنتظر الذی یملا الله به الارض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما.... [۲۵] ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا علی بن ابی طالب علیه السلام پیشوای امت من و جانشینم بر ایشان پس از من خواهد بود. و آن قائمی که چشم به راهش هستند، - همان که خداوند زمین را با او از درستی و داد

بیاکند چنانچه از ستم و بیداد آکنده اش باشند - از فرزندان اوست.یا علی، ای مقتدای عدل و داد جانشین حضرت خیر الانامدیده ما، در پی فرزند توست او که عدل حیدرش باشد مرامتا که بر چیند بساط ظلم و جور او که دارد ذو الفقارت در نیام [صفحه ۲۷]

حدیث ۰۷

عن الاصبغ بن نباته، قال: سمعت امیر المومنین علیه السلام یقول: صاحب هذا الامر، الشرید الطرید الفرید الوحید. [۲۶] اصبغ بن نباته گوید: از امیر مومنان علیه السلام شنیدم که فرمودند: صاحب این امر، آن آواره رانده شده تنهای یکتاست.ای که تو تنها چو مه و آفتاب شام و سحر، سیر و سفر می کنییاد کن از غربت یاران خویش ز آه کسان گر تو حذر می کنی [صفحه ۲۸]

حدیث ۰۸

عن الحسین بن علی، عن ابیه امیر المومنین، علی بن ابی طالب علیهم السلام، انه قال: التاسع من ولدک، یا حسین! هو القائم بالحق، المظهر للدین و الباسط للعدل.... [۲۷] حسین بن علی علیهما السلام فرمود: امیر مومنان، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: نهمین فرزندت، ای حسین! هم اوست که قیام کننده به حق، آشکار کننده دین و گسترنده عدل و داد است.آن که اندر غیبتش پنهان و گم آفتاب داد و دین مصطفاستجان جانان، قائم دوران، یقین زاده شاه شهید کربلاست [صفحه ۲۹]

حدیث ۰۹

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام، قال:... فقالت [فاطمه علیها السلام]: هذا اللوح اهداه الله - عز و جل - الی رسوله صلی الله علیه و آله و سلم، فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی... [و فی اللوح مکتوب]:... رحمه للعالمین، علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب علیهم السلام.... [۲۸] ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:... [فاطمه علیها السلام] فرمودند: این لوحی است که خدای - عز و جل - آن را به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم به ارمغان داده، نام پدر و همسر و دو پسرم و جانشینان فرزندانم در آن است... [و در آن درباره حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - چنین نوشته اند:]... برای جهانیان [مایه] رحمت است، او آراستگی موسی و زیب و فر عیسی و شکیب ایوب علیهم السلام را داراست...یار ما را در کمال و در جمال موسی و عیسی صفت خواندند، دوستزین همه صبری که او دارد، یقین اسوه ایوب

پیغمبر خود اوست [صفحه ۳۰]

حدیث ۱۰

فقال الحسن المجتبی علیه السلام:... التاسع من ولد اخی الحسین علیه السلام، ابن سیده الاماء، یطیل الله عمره فی غیبته ثم یظهره بقدرته فی صوره شاب دون اربعین سنه، ذلک لیعلم: (ان الله علی کل شـی ء قدیر.) [۲۹] [۳۰] .امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:... نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام زاده بانوی کنیزان است، خداوند زندگانی او را در غیبتش دراز نماید. سپس با توانایی خود، او را در چهره جوانی کمتر از چهل سال آشکار سازد تا بدانند که: خداوند بر هر کاری تواناست.عمر او در غیبتش گردد زیاد ظاهر آید در مثال یک جوانتا بداند خلق از این صنع خدای قادر مطلق بود او بی گمان [صفحه ۳۱]

حدیث ۱۱

عن علی بن الحسین، قال: قال الحسین بن علی علیهم السلام: فی التاسع من ولدی، سنه من یوسف و سنه من موسی بن عمران علیهما السلام، و هو قائمنا اهل البیت، یصلح الله تبارک و تعالی امره فی لیله واحده. [۳۱] امام سجاد علیه السلام فرمود: حسین بن علی علیهما السلام فرمودند: در نهمین فرزندم شیوه ای از یوسف و شیوه ای از موسی بن عمران علیهما السلام و او قائم ما خاندان است، خدای تبارک و تعالی کارش را به شبی به سامان آورد.شاید آن ماه بر آید به شبی همچو یوسف ز بن چاه سیاهتا که اصلاح کند کارش حق بستم امید به الطاف اله [صفحه ۳۲]

حدیث ۱۲

عن رجل من همدان، قال: سمعت الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام یقول: قائم هذه الامه، هو التاسع من ولدی، و هو صاحب الغیبه، و هو الذی یقسم میراثه و هو حی. [۳۲] مردی از [تیره] همدان گوید: از حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام شنیدم که فرمودند: قائم این امت، همان نهمین فرزند من است و هم اوست دارای غیبت و اوست آن که میراثش را بخش می کنند حال آن که خود زنده است.از تطاول گشته پر روی زمین تا که پنهان گشته آن پور حسینای عجب کو زنده است و ارث او منقسم بینی میان مشرقین [صفحه ۳۳]

حدیث ۱۳

عن سعید بن جبیر، قال: سمعت سید العابدین، علی بن الحسین علیهما السلام، یقول: فی القائم سنه من نوح علیهما السلام و هو طول العمر. [۳۳] سعید بن جبیر گوید: از سید العابدین، علی بن الحسین علیهما السلام، شنیدم که فرمودند: در قائم شیوه ای از نوح علیهما السلام است و آن بلندی زندگانی است.هر گل که در این جهان بروید عمرش دو سه روز بیشتر نیستاحسنت به یار ما کزو نوح خود تشنه آب زندگانیست [صفحه ۳۴]

حدیث ۱۴

عن سعید بن جبیر، قال: قال علی بن الحسین، سید العابدین علیه السلام: القائم منا تخفی ولادته علی الناس حتی یقولوا لم یولد

بعد. لیخرج حین یخرج و لیس لاحد فی عنقه بیعه. [۳۴] سعید بن جبیر گوید: علی بن الحسین، سید العابدین علیه السلام، فرمودند: زاده شدن قائم ما بر مردمان پوشیده ماند آن چنان که گویند هرگز زاده نشده است. هر آینه خروج می نماید حال آن که در آن هنگام یک تن را بر گردن او پیمانی نیست.پنهان شده ای ز چشم اغیار کس را نبود به کوی تو راهاز مهر تو داغ بر جبینها و ز وصل تو دست ماست کوتاه [صفحه ۳۵]

حدیث ۱۵

عن ام هانی، قالت: لقیت ابا جعفر علیه السلام فسالته عن هذه الایه: (فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس، [۳۵] فقال: امام یخنس فی زمانه عند انقضاء من علمه، سنه ستین و مائتین، ثم یبدو کالشهاب الوقاد فی ظلمه اللیل، فان ادرکت ذلک قرت عیناک. [۳۶] ام هانی گوید: امام باقر علیه السلام را دیدار نمودم و از ایشان درباره این آیه: هر آینه سوگند می خورم به ستارگان رونده پنهان شونده پرسیدم، فرمودند: بیشوایی است که در روزگار خود، به سال دویست و شصت، ناگهان پنهان شود سپس مانند شهاب فروزان در تاریکی شب روی نماید، اگر آن را دریابی دیدگانت روشن شوند.کوکب اقبال من آن ماهروی کرده نهان روی خود از دیدگاناین بود امید که از لطف حق دیده شود روشن از او، یک زمان [صفحه ۳۶]

حدیث ۱۶

عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عز و جل: (قل ارایتم ان اصبح ماوکم غورا فمن یاتیکم بماء معین، [۳۷] فقال: هذه نزلت فی القائم علیه السلام، یقول: ان اصبح امامکم غائبا عنکم، لا تدرون این هو، فمن یاتیکم بماء ظاهر.... [۳۸] ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام درباه گفته خدای - عز و جل -: بگو اگر آبتان در زمین فروکش کند پس آن گاه کیست که شما را آبی زلال فراهم آرد فرمودند: این را درباره قائم علیه السلام فرو فرستاده اند، [گویی خداوند] می فرماید: اگر پیشوایتان از شما پنهان شود [چنانکه] ندانید کجاست، کیست که شما را پیشوای آشکاری آورد. ...سرچشمه آب زندگانی لعل شکرین تست ای یارروزی که نجوشی از سر مهر آب است به

تشنگی گرفتار [صفحه ۳۷]

حدیث ۱۷

عن ابی ایوب المخزومی، قال: ذکر ابو جعفر، محمد بن علی الباقر:، سیر الخلفاء الاثنی عشر الراشدین [صلوات الله علیهم] فلما بلغ آخرهم قال: الثانی عشر الذی یصلی عیسی بن مریم علیهما السلام خلفه [علیک] بسنته و القرآن الکریم!. [۳۹] ابوایوب مخزومی گوید: امام باقر علیه السلام آیین زندگی خلفای دوازده گانه - صلوات الله علیهم - را یاد می نمودند. چون به آخرین ایشان رسیدند، فرمودند: دوازدهمین [خلیفه] آن است که عیسی بن مریم علیهما السلام از پس او نماز گزارد، [بر تو باد] به رفتار کردن به شیوه او و قرآن کریم!.قد قامت اگر بر آری ای دوست عیسی به تو اقتدا نمایدیعنی که حیات آسمانی ماموم تو در شمار آید [صفحه ۳۸]

حدیث ۱۸

عن مولی لبنی شیبان، عن ابی جعفر علیه السلام، قال: اذا قام قائمنا علیه السلام، وضع یده علی رووس العباد فجمع بها عولهم و کملت بها احلامهم. [۴۰] برده ای از آن بنی شیبان گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: گاه که قائم ما علیه السلام بپاخیزد، دست خود را بر سر بندگان گزارد. پس بدان، خرد ایشان یکجا فراهم آید و رای و اندیشه ایشان به کمال گراید.دلبرم ار دست نوازش کشد بر سر طفل خرد از روی مهرمی شکفد غنچه صفت از نسیم معجزه ها می کند این بوی مهر [صفحه ۳۹]

حدیث ۱۹

عن صفوان بن مهران، عن الصادق، جعفر بن محمد علیهما السلام، انه قال: من اقر بجمیع الائمه و جحد المهدی علیه السلام، کان کمن اقر بجمیع الانبیاء و جحد محمدا صلی الله علیه و آله نبوته.... [۴۱] صفوان بن مهران گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که [درستی پیشوایی] همه پیشوایان را به زبان آرد (بپذیرد) اما مهدی علیه السلام را نپذیرد مانند آن است که به نبوت همگی پیامبران اقرار کند، اما پیامبری محمد صلی الله علیه و آله را نپذیرد.منکر مهدی بود اندر مثل منکر خاتم به نزد حق، درستآن که با آخر بود بیگانه او آشنایی خود ندارد با نخست [صفحه ۴۰]

حدیث ۲۰

قال المفضل بن عمر: سمعت الصادق، جعفر بن محمد علیهما السلام، یقول: من مات منتظرا لهذا الامر، کان کمن کان مع القائم علیه السلام فی فسطاطه، لا، بل کان کالضارب بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله بالسیف. [۴۲] مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: آن که چشم به راه این امر، جان سپارد، مانند آن است که با قائم علیه السلام در خیمه اش بوده، بلکه مانند آن شمشیر زن پیش روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است.هر که جان بسپارد او در انتظار از برای مقدم صاحب زمانمی شود همسایه مهدی حساب بلکه یار خاتم پیغمبران [صفحه ۴۱]

حدیث ۲۱

عن عبد الله بن سنان، عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: سمعته یقول: فی القائم سنه من موسی بن عمران علیهم السلام...: خفاء مولده و غیبته عن قومه.... [۴۳] عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: در قائم شیوه ای از موسی بن عمران علیهم السلام است...: پوشیده ماندن میلادش و پنهان شدنش از مردمان خود.از چه پنهان گشته ای از دیده ها؟ سنت موسی مگر داری تو یار؟مثل او چشم امیدت بسته اند همچو او پنهان شدی از این دیار [صفحه ۴۲]

حدیث ۲۲

عن داوود بن کثیر الرقی، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله - عز و جل -: (الذین یومنون بالغیب)، [۴۴] قال: من اقر بقیام القائم علیه السلام انه حق. [۴۵] داود بن کثیر رقی گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر گفتار خدای - عز و جل -: آنان که به غیب ایمان آرند فرمودند: هر که به حقانیت قیام قائم علیه السلام ایمان آورد.غیبتت ای یار پنهان از نظر آیت غیب است و تفسیرش، نهانمنتظر بر راه تو بنشسته ایم تا بیایی، خود بگویی راز آن [صفحه ۴۳]

حدیث ۲۳

عن سدیر، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول:... فما تنکر هذه الامه ان یکون الله - عز و جل - یفعل بحجته ما فعل بیوسف علیه السلام: ان یکون یسیر فی اسواقهم، و یطا بسطهم، و هم لا یعرفونه حتی یاذن الله - عز و جل - ان یعرفهم بنفسه کما اذن لیوسف علیه السلام حتی قال لهم: (هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه اذ انتم جاهلون قالوا ا انک لانت یوسف قال انا یوسف.) [۴۶] [۴۷] .سدیر گوید: از امام صادق عیه السلام شنیدم که می فرمودند: این امت چرا باور ندارد که خدای - عز و جل - با حجت خود همان کند که با یوسف علیه السلام کرد که در بازارهایشان آمد و شد کند و بر زیر اندازهایشان گام نهد، حال آن که او را نشناسند تا زمانی که خدای علیه السلام اذن دهد که خود را به ایشان بشناساند، چنانکه به یوسف علیه السلام اجازه داد تا آنکه به ایشان (برادران خود) فرمود:

آیا می دانید که با یوسف و برادرش چه کردید گاه که از نادانان بودید؟ گفتند آیا هر آینه تو یوسفی؟ فرمود من یوسفم....نو کرده ای عزیزا، آیین یوسفی را پنهان ز ما گدایان، در کاخ پادشاهیگر سر زده خطایی، از سائلان جاهل بر ما ببخش و بگذر، ای رحمت الهی [صفحه ۴۴]

حدیث ۲۴

عن ابی بصیر، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: ان سنن الانبیاء: بما وقع بهم من الغیبات، حادثه فی القائم منا اهل البیت، حذو النعل بالنعل و القذه بالقذه. [۴۸] ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: همانا این شیوه پیامبران علیهم السلام که به غیبتها دچار شده اند، درباره قائم ما خاندان نیز پیش آید، گام به گام و پر به پر.غیبت روی نگاران از قدیم آتش خرمن عشاق بودیار ما هم به همین عهد و مرام غایب از دیده مشتاق بود [صفحه ۴۵]

حدیث ۲۵

عن زراره بن اعین، قال: سمعت الصادق، جعفر بن محمد علیهما السلام، یقول:... هو المنتظر الذی یشک الناس فی ولادته فمنهم من یقول: اذا مات ابوه مات و لا عقب له،... لان الله - عز و جل - یحب ان یمتحن خلقه فعند ذلک یرتاب المبطلون. [۴۹] زراره بن اعین گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:... آن که چشم به راهش هستند، همان کسی است که مردم در ولادتش تردید می کنند، پس برخی از ایشان گویند: پدرش در حالی از دنیا رفت که فرزندی نداشت... این به آن جهت است که خدای - عز و جل - دوست دارد آفریدگانش را بیازماید، در آن زمان است که نادرستان به شک و دو دلی در افتند.این چنین کز ما تو پنهان گشته ای برده ای صبر و قرار و هوش ماترسم ای مه کامتحانم می کنی تا شود رسوایی من بر ملا [صفحه ۴۶]

حدیث ۲۶

عن عبید بن زراره، قال: سمعت ابا عبد الله یقول: یفقد الناس امامهم فیشهد الموسم فیراهم و لا یرونه. [۵۰] عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: مردمان، پیشوای خود نیابند پس او توده [حاجیان] ایشان را گواه باشد، ایشان را ببیند و او را نبینند.دیر است که گم گشته ای از دیده ما پنهان شده ای ز مردم ای نور بصرما را چو میسر نبود دیدن مهر یکدم تو به ذره ها چو خورشید نگر [صفحه ۴۷]

حدیث ۲۷

عن المفضل بن عمر، قال:... فقال ابو عبد الله علیه السلام:... اما تقرا فی کتاب الله - عز و جل -: (فاذا نقر فی الناقور [۵۱] (ان منا اماما مستترا فاذا اراد الله - عز و جل - اظهار امره، نکت فی قلبه فظهر و امر بامر الله - عز و جل -. [۵۲] مفضل بن عمر گوید:... امام صادق علیه السلام فرمودند:... آیا در کتاب خدای - عز و جل - نمی خوانی: گاه که در شیپور بدمند همانا از [میان] ما پیشوای پرده نشینی است که چون خدای - عز و جل - آشکاری امرش خواهد، نشانی در دلش بنشاند پس آن گاه آشکار گردد و فرمان به فرمان خدای - عز و جل - دهد.بو که با لطف خداوند ودود روزی ای مه تو ز ما یاد کنیکوس دولت

ز سعادت بزند سائلی را که توشه شاد کنی [صفحه ۴۸]

حدیث ۲۸

عن سدیر الصیرفی، قال:... یقول ابو عبد الله علیه السلام: سیدی! غیبتک نفت رقادی، و ضیقت علی مهادی، و ابتزت منی راحه فوادی. [۵۳] سدیر صیرفی گوید:... امام صادق علیه السلام [به یاد حضرت بقیه الله – ارواحنا فداه –] فرمودند: سرورم! غیبتت مرا بی خواب و بسترم را بر من تنگ کرده و راحت از دلم ربوده است.غیبتت ای شه شیرین حرکات خسروان را به تب و تاب فکندخواب از دیده پر آب ربود در دل شیفته خوناب فکند [صفحه ۴۹]

حدیث ۲۹

عن ابی بصیر، قال: قال الصادق، جعفر بن محمد علیهما السلام:... یا ابا بصیر! طوبی لشیعه قائمنا علیه السلام، المنتظرین لظهوره فی غیبته و المطیعین له فی ظهوره، اولئک اولیاء الله الذین لا ـ خوف علیهم و لا هم یحزنون. [۵۴] و [۵۵] ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:... ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما علیه السلام، آنان که در غیبتش چشم به راه ظهورش باشند و در ظهورش فرمانبردار او، ایشان آن دوستان خدایند که بیم و اندوهی نخواهند داشت.از غم ایام نیابد گزند هر که به دل مهر تو را پروردمهر تو سرمایه امنیت است هر غم و بیم از دل و جان می برد [صفحه ۵۰]

حدیث ۳۰

عن داوود بن کثیر الرقی، قال: سالت ابا الحسن، موسی بن جعفر علیهما السلام، عن صاحب هذا الامر، قال: هو الطرید الوحید الغریب، الغائب عن اهله، الموتور بابیه. [۵۶] داود بن کثیر رقی گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره صاحب این امر پرسیدم، فرمودند: اوست رانده شده تنهای بیگانه، پنهان از خانواده اش، داغدار پدرش.جانم به فدای تو یگانه کامر تو مطاع و خود غریبیداغ پدرت به دل نهادند و ز بهر خدا تو می شکیبی [صفحه ۵۱]

حدیث ۳۱

عن ابی احمد، محمد بن زیاد الازدی، قال:... فقال [الامام] الکاظم علیه السلام:... یغیب عن ابصار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المومنین ذکره و هو الثانی عشر منا.... [۵۷] ابواحمد، محمد بن زیاد ازدی گوید:... امام کاظم علیه السلام فرمودند:... جسمش از دیدگان مردم پنهان شود، اما یادش از دلهای مومنان نرود، و او دوازدهمین ماست....غایب شده یار اگر ز دیده یکدم ز دل او نهان نباشدخون جگرم گواه صدق است راز غم او عیان نباشد [صفحه ۵۲]

حدیث ۳۲

عن الحسین بن خالد، قال: قال علی بن موسی الرضا علیهما السلام:... هو صاحب الغیبه قبل خروجه، فاذا خرج اشرقت الارض بنوره [۵۸] و وضع المیزان العدل بین الناس فلا یظلم احد احدا.... [۵۹] حسین بن خالد گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند:... او را پیش از خروجش غیبتی است. پس آن گاه که خروج کند، زمین با نورش روشن گردد و میان مردمان ترازوی داد بنهند.

پس یـک تن هم بر دیگری سـتم نکنـد....نهان کردی چو مهر رویت ای مه جهـان شـد تیره چون خوی سـتمگرطلوعت را همه چشم انتظاریم بتاب ای آفتاب دادگستر [صفحه ۵۳]

حدیث ۳۳

عن دعبل بن علی الخزاعی، یقول: انشدت مولای الرضا، علی بن موسـی علیهما السلام، قصیدتی التی اولها:مدارس آیات خلت من تلاوه و منزل وحی مقفر العرصاتفلمـا انتهیت الی قولی:خروج امـام لاـ محاله خارج یقوم علی اسم الله و البرکاتیمیز فینا کل حق و باطـل و یجزی علی النعماء و النقماتبکی الرضا علیه السـلام بکاءا شدیـدا ثم رفع راسه الی، فقال لی: یا خزاعی! نطق روح القـدس علی لسانک بهذین البیتین.... [۶۰] دعبـل بن علی خزاعی گویـد: آن قصـیده ام را که آغازش چنین بود: مـدرسه های آیات از تلاوت تهی مانده و خانه وحی، بیابانی بی آب و گیاه را ماند برای امام رضا علیه السـلام می سرودم، چون به این بیت رسـیدم: خروج پیشوایی که ناگزیر خروج کنـد، حتمی است به نام خداونـد و با برکت بپا خیزد هر حق و باطلی را میان ما جدا سازد و [پیروان آن دو را] پاداش و کیفر دهد [صفحه ۵۴] ایشان به سختی گریستند. سپس رو

به من کردند و فرمودند: ای خزاعی! روح القدس بود که از زبان تو این دو بیت را بر خواند.یقین آن شاهد قدسی خدایا برون از پرده غیبت بیایددهد پاداش و کیفر، بر سزاوار جدا هر حقی از باطل نماید [صفحه ۵۵]

حدیث ۳۴

عن عبد العظیم [الحسنی]، قال: فقال [محمد بن علی الجواد علیه السلام] لی:... ان الله تبارک و تعالی لیصلح له امره فی لیله کما اصلح امر کلیمه موسی علیه السلام، اذ ذهب لیقتبس لاهله نارا فرجع و هو رسول نبی.... [۶۱] [۶۲] عبدالعظیم حسنی گوید:... امام جواد علیه السلام به من فرمودند:... همانا خدای - تبارک و تعالی - کار او (بقیه الله - ارواحنا فداه -) را به شبی به سامان آرد چنانکه کار کلیم خود، موسی علیه السلام را به سامان آورد، گاه که به دنبال پاره آتشی برای خانواده اش رفت، پس در حالی بازگشت که فرستاده خدای و پیامبر او بود.همچو نور کوه طور آید به چشم یک شب آخر بدر سیمای نگارگفتم از عهده می آیم برون این تو و این آیت آنست نار [صفحه ۵۶]

حدیث ۳۵

عن اسحاق بن محمد بن ایوب، قال: سمعت ابا الحسن، علی بن محمد علیهم السلام یقول: صاحب هذا الامر، من یقول الناس لم یولد بعد. [۶۳] اسحاق بن محمد بن ایوب گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمودند: صاحب این امر، آن است که مردمان بگویند هرگز زاده نشده.یک نشان دارد به نزد مردمان صاحب امر حکیم ذو الجلالهر که وصفش بشنود گوید چنین: این که گفتی زادنش باشد محال [صفحه ۵۷]

حدیث ۳۶

عن احمد بن اسحاق بن سعد، قال: سمعت ابا محمد، الحسن بن علی العسکری علیهما السلام، یقول: الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی، اشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله خلقا و خلقا.... [۶۴] احمد بن اسحاق بن سعد گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ستایش خدایی را که مرا از دنیا بدر نبرد تا جانشینم را به من نمایاند، آن که همانندترین مردمان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آفرینش [و صورت] و خوی [و سیرت] است.مهدیا! در خلق و خوی بی مثال گشته ای ثانی احمد در جهانهر که بیند روی دلجوی تو را دیده گویی خاتم پیغمبران [صفحه ۵۸]

حدیث ۳۷

عن ابی غانم الخادم، قال: ولد لابی محمد علیه السلام ولد فسماه محمدا علیه السلام فعرضه علی اصحابه یوم الثالث و قال: هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی علیکم، و هو القائم الذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار.... [۶۵] ابوغانم - خادم امام حسن عسکری علیه السلام - گوید: برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی زاده شد که او را محمد علیه السلام نامید. پس به روز سوم او را بر یارانش نمایاند و فرمود: این سرور شما پس از من و جانشینم بر شماست و همان قائمی است که در چشم به راهی او گردنها بر کشند.تو صاحب زندگانی ما ما بنده جانفشان مهریمدیری است به انتظارت ای ماه بنشسته و دیده بان مهریم [

صفحه ۵۹]

حدیث ۳۸

عن محمد بن صالح الهمدانی، قال: کتبت الی صاحب الزمان علیه السلام، فکتب علیه السلام:... قال عز و جل: (و جعلنا بینهم و بین القری التی بارکنا فیها قری ظاهره)، [۶۶] و نحن و الله القری التی بارک الله فیها و انتم القری الظاهره. [۶۷] محمد بن صالح همدانی گوید: در مکاتبه ای امام زمان علیه السلام به من نوشتند:... [خدای] - عز و جل - فرموده است: میان ایشان و شهرهایی که به آنها برکت دادیم شهرهایی نزدیک و آشکار نهادیم، به خدای سوگند، آن شهرها که خداوند به آنها برکت داد ماییم و شما [محدثان و فقها] نیز آن شهرهای نزدیک و آشکارید.ای حجت بر حق الهی تو شهر مبارک خداییماییم نشسته بر سر راه تا یک نظری به ما نمایی [صفحه ۶۰]

حدیث ۳۹

عن اسحاق بن یعقوب، قال:... فورد [ت فی] التوقیع بخط مولینا صاحب الزمان علیه السلام:... و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس، اذا غیبتها عن الابصار السحاب و انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء.... [۶۸] اسحاق بن یعقوب گوید: در نوشته ای به خط امام زمان علیه السلام آمده است:... و اما بهره بردن از من در غیبتم، بهره بردن از خورشید را ماند، گاه که ابرها آن را از دیدگان بپوشانند، و من امان زمینیانم چنانکه ستارگان امان آسمانیانند.ای امان دوستان بی قرار ای درخشانتر ز هر اختر بیامهر رویت تا به کی پشت سحاب؟ ابر غیبت را بران، دیگر بیا [صفحه ۶۱]

حدیث ۴۰

حدثنا ابو محمد الحسن بن احمد المکتب، قال:... فاخرج [السمری - قدس الله روحه -] الی الناس توقیعا نسخته:... فقد وقعت الغیبه التامه فلا ظهور الا بعد اذن الله - عز و جل - و ذلک بعد طول الامد، و قسوه القلوب، و امتلاء الارض جورا، و سیاتی شیعتی من یدعی المشاهده، الا فمن ادعی المشاهده قبل خرج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر. و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. [۶۹] ابومحمد، حسن بن احمد مکتب گوید: علی بن محمد سمری - قدس الله روحه - نوشته ای از امام زمان علیه السلام به مردم نمایاند بدین مضمون:... غیبت تامه (کبری) پیش آمده است پس ظهوری نخواهد بود مگر پس از اذن خدای - عز و جل - و آن هم پس از روزگاری دراز و سنگدلی [و قساوت مردمان] و آکنده شدن زمین از بیداد خواهد بود. و

بزودی پیروانم را کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار [و آمد و شد با مرا] دارند، آگاه باشید! هر که پیش از خروج سفیانی و آواز آسمانی ادعای دیدار کند او دروغزنی یاوه سراست، و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. [صفحه ۶۱] باور نکنید اگر گدا گفت هر دم بر شاه، میهمان استاز شاه بباید این اراده تا اینکه وصال او دهد دست

پاورقی

[۱] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۰.

[۲] ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، ج ۶: ص ۱۳۵.

[۳] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۵۳.

[۴] حدید، ۱۷:۵۷: هان، بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می سازد.

[۵] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۶۸.

[۶] مستنبط: القطره من بحار مناقب النبی و العتره، ج ۲: ص ۳۶۲.

[۷] مجلسی: بحار الانوار، ج ۵۱: ص ۱۵۶.

[۸] کلینی: الاصول من الکافی، ج ۱: ص ۳۳۳.

[۹] شیخ عباس قمی: مفاتیح الجنان / امر چهارم: دعا برای امام زمان عجل الله فرجه. [

[۱۰] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۵۸.

[۱۱] کمال الدین و تمام نعمه، صص ۵۱۵ – ۵۱۲.

[۱۲] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۴۰.

[۱۳] اصفهانی: مکیال المکارم، ج ۱: صص ۳۰۷ – ۳۰۳.

[۱۴] نعمانی: کتاب الغیبه، ص ۱۴۵.

[۱۵] صافی: منتخب الاثر، ص ۳۰۱.

[۱۶] مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۰۲: ص ۱۰۰.

[۱۷] مجلسی: بحار الانوار، ج ۵۳: ص ۱۰۴.

[۱۸] سید رضی (گرد آورنده): نهج البلاغه / کلمات قصار، شماره ۱۴۷.

[۱۹] نسخه اساس ما، در بازگردان مقدمه و متن، با تصحیح و تعلیق پژوهنده ارجمند جناب آقای علی اکبر غفاری و به کوشش موسسه انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم، در سالهای اخیر به چاپ رسیده است.

[۲۰] کمال الدین، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

[۲۱] کمال الدین، صص ۲۵۴ و ۲۵۶.

[۲۲] کمال الدین، صص ۲۶۴ و ۲۶۹.

[۲۳] کمال الدین، ص ۲۸۶.

[۲۴] کمال الدین، ص ۲۸۶.

[۲۵] کمال الدین، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

[۲۶] کمال الدین، ص ۳۰۳.

[۲۷] کمال الدین، ص ۳۰۴.

[۲۸] کمال الدین، ص ۳۱۱ - ۳۰۸.

[۲۹] بقره، ۲۵۹: ۲.

[۳۰] کمال الدین، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

[۳۱] کمال الدین، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

[۳۲] کمال الدین، ص ۳۱۷.

[۳۳] کمال الدین، ص ۳۲۲.

[۳۴] کمال الدین، صص ۳۲۲ - و ۳۲۳.

[۳۵] تکویر، ۱۵: ۸۱ و ۱۶.

[۳۶] کمال الدین، صص ۳۲۴ و ۳۲۵.

[۳۷] ملک، ۳۰: ۶۷.

[۳۸] کمال الدین، صص ۳۲۵ و ۳۲۶.

[۳۹] کمال الدین، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

[۴۰] کمال الدین، ص ۶۷۵.

[۴۱] کمال الدین، ص ۳۳۳.

[۴۲] کمال الدین، ص ۳۳۸.

[۴۳] کمال الدین، ص ۳۴۰.

[۴۴] بقره، ۳: ۲.

[۴۵] کمال الدین ص ۳۴۰.

[۴۶] یوسف، ۸۹: ۱۲ و ۹۰.

[۴۷] کمال الدین، ص ۳۴۱.

[۴۸] کمال الدین، ص ۳۴۵.

[۴۹] کمال الدین، ص ۳۴۶.

[۵۰] کمال الدین، ص ۳۴۶.

[۵۱] مدثر، ۸: ۷۴.

[۵۲] کمال الدین، ص ۳۴۹.

[۵۳] کمال الدین، صص ۳۵۷ - ۳۵۲.

[۵۴] اقتباس از سوره یونس، ۶۲: ۱۰.

[۵۵] کمال الدین، ص ۳۵۷.

[۵۶] کمال الدین، ص ۳۶۱.

[۵۷] کمال الدین، صص ۳۶۸ و ۳۶۹.

[۵۸] اقتباس از سوره زمر، آیه ۶۹.

[۵۹] کمال الدین، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

[۶۰] کمال الدین، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

[۶۱] اشاره به سوره طه، آیات ۱۳ – ۹.

[۶۲] کمال الدین، ص ۳۷۷.

[۶۳] کمال الدین، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

[۶۴] کمال الدین، صص ۴۰۸ و ۴۰۹.

[۶۵] کمال الدین، ص ۴۳۱.

[۶۶] سبا، ۱۸: ۳۴.

[۶۷] کمال الدین، ص ۴۸۳.

[۶۸] کمال الدین، صص ۴۸۵ – ۴۸۳.

[۶۹] کمال الدین، ص ۵۱۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹